مجله برنامه و بودجه، شمارهٔ ۷، ص. ۱۰۱-۱۲۳.

# تحلیلی بر روند توسعهٔ اقتصادی در چین (۱۹۹۶-۱۹۴۹)

نویسنده: رضا شیرزادی*

## چکیده

چین با بیش از یک میلیارد نفر جمعیت، یکی از قدرتهای بزرگ اقتصادی، سیاسی و نظامی آسیا به شمار می‌رود. اما در این میان، قدرت اقتصادی و نیز توسعهٔ اقتصادی آن طی دو دههٔ اخیر، بسیار خیره‌کننده بوده است. تحلیل توسعهٔ اقتصادی و حصول پیشرفتهای کنونی چین، با عنایت به پیشینهٔ تاریخی این سرزمین (آسیایی بودن، گرایشهای اقتصادی سوسیالیستی) اهمیتی دوچندان می‌یابد. براین اساس، مقالهٔ حاضر برآن است تا ضمن بررسی روند اصلاحات اقتصادی چین طی دو دههٔ اخیر، با تأکید بر دورهٔ دنگ شیائوپینگ، به تحلیل و تبیین این اصلاحات و دستاوردهای آن بپردازد تا بستر حرکت به سوی توسعه در چارچوب الگوی چینی مشخص شود و تجربهٔ این کشور مورد عنایت کارشناسان قرار گیرد.

## مقدمه

چین دارای پیشینهٔ تاریخی طولانی و پرفرازو نشیبی است. این کشور در روزگار باستان، از جمله تمدنهای کهن مشرق زمین به شمار می‌آمد. امپراتوری چین از دوران پیش از میلاد مسیح برپا بود و تا قرون جدید انسجام و یکپارچگی خود را حفظ کرد. اما در قرون جدید (از سال ۱۸۵۰ به بعد)

*کارشناس دفتر روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه وبودجه

به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت استعمار برخی ملل مغرب زمین، از جمله انگلستان و پرتغال، قرار گرفت. از این پس، انسجام سنتی جامعهٔ چین متزلزل شد. نخستین گام در جهت رهایی از استعمار و کسب استقلال ملی را در اوایل سده بیستم، ملی‌گرایان چینی، به رهبری دکتر سون یات‌سن، برداشتند. اما هنگامی که ملی‌گرایان در رأس امور بودند، جامعه و حکومت چین دستخوش ناآرامیها و اغتشاشات گوناگونی بود که در نهایت، در سال ۱۹۴۹ به انقلاب کمونیستی چین انجامید.

انقلاب کمونیستی را مائوتسه تونگ رهبری نمود و او و یارانش کوشیدند تا جامعه سنتی و عقبماندهٔ چین را به جامعه‌ای مبتنی برتوسعهٔ صنعتی تبدیل نمایند. بنابراین، نخستین گام در راه توسعه، آن هم به مفهوم عمدتاً اقتصادی - صنعتی، با استقرار مائوگرایی در چین برداشته شد. مائو و مائوگرایی تا نیمهٔ دوم دههٔ ۱۹۷۰ همچنان سیطرهٔ خود را برجامعه و حکومت چین تداوم بخشید. بامرگ مائو در سال ۱۹۷۶ از یک‌سو، و قدرت گرفتن دنگ شیائوپینگ در سال ۱۹۷۸ از سوی دیگر، چین معاصر وارد مرحلهٔ نوینی از حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود شد.

از سال ۱۹۸۷ ، دستاوردهای اقتصادی - اجتماعی چین بسیار چشمگیر بوده است. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، روند رشد اقتصادی چین به گونه‌ای حیرت‌انگیز افزایش یافت و شاخصهای اقتصادی در زمینه‌های گوناگون، رشد فوق‌العاده‌ای را نشان داد که معلول اِعمال سیاستهای اقتصادی نوین در عرصه‌های داخلی و خارجی چین بود. به هرحال، دستاوردهای اقتصادی چین موجب شد که در محافل خبری دنیا این کشور را ابرقدرت آینده بنامند.

در این نوشتار، برآنیم تا ضمن اشاره به مهمترین مراحل اصلاحات اقتصادی و دستاوردهای آن در چین معاصر، به تبیین این نوع توسعه و جایگاه آن بپردازیم.

## ۱. تحول از اقتصاد سوسیالیستی به اقتصاد مبتنی بر بازار

چین در سه دههٔ پس از انقلاب کمونیستی سال ۱۹۴۹، راهبرد توسعهٔ اقتصادی سوسیالیستی را که اساساً مبتنی برخوداتکایی بود، در پیش گرفت. طی این مدت، تخصیص منابع برای بخشهای کلیدی اقتصاد از طریق نظارت دولت و ابزارهای اداری انجام می‌پذیرفت. از اواخر دههٔ ۱۹۷۰،

رهبران چین تشخیص دادند که روشهای سنتی مدیریت اقتصادی فاقد کارایی است و تمهید سیاستهای نوین ضروری است. بدین‌ترتیب، چین در عین ابقای کل چارچوب حاکمیت مالکیت عمومی گذشته، سیاست باز نمودن درها به روی کشورهای دیگر را اتخاذ نمود و شروع به انجام اصلاح ساختار اقتصاد داخلی نمود. بدین‌ترتیب، به مرور برنامه‌ریزی دستوری رها شد و نقش ارشادی دولت بیشتر گردید و به نیروهای بازار و بخش غیردولتی امکان دخالت بیشتری در عرصهٔ اقتصادی داده شد.

اصلاحات در چین، در آغاز به صورت افزایش یابنده[1] و آزمایشی پیگیری شد، اما با گذشت زمان لزوم اصلاحات همه جانبه بیشتر احساس گردید. مهمترین ویژگیهای اصلاحات اتخاذ شده در چین در دورهٔ دنگ شیائوپینگ، عبارت بود از:

الف) اصلاحات اتخاذ شده از سوی رهبران چین، اساساً اقتصادی است و به کمترین اصلاحات سیاسی، تا حدّی که لازمهٔ اصلاحات اقتصادی است، بسنده شده است. بنابراین،وقتی صحبت از اصلاحات در چین می‌شود، عمدتاً اصلاحات اقتصادی مدنظر است.

ب) فرایند اصلاحات در چین، برخلاف شیوهٔ اتخاذ شده از سوی کشورهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی سابق، به صورت تدریجی، افزایش یابنده و آزمایشی است. به بیان دیگر، قبل از اینکه اصلاحات در کل کشور به اجرا درآید، به گونه‌ای آزمایشی در بعضی مناطق به کار رفته، و در صورت موفقیت، به دیگر نقاط هم گسترش می‌یافت. از دیدگاه تصمیمگیران چینی، این رهیافت تدریجی مزایایی داشت، که از جمله موارد زیر بود: اول اینکه شکستهای عمدهٔ اقتصادی رخ نمی‌داد و ناکارایی سیاستها براساس تقاضای ملی و محلی تعدیل می‌شد. دوم اینکه با اجرای سیاستهای اولیه، حمایت سیاسی لازم برای اصلاحات بیشتر حاصل می‌گردید. سوم اینکه چارچوبهای قانونی و تنظیمی و نهادهای مربوط به آن را تدارک می‌دیدند.

ج) استفاده از سازوکارهای واسط به منظور آرام کردن گذار از نظام مبتنی بربرنامه‌ریزی به نظام مبتنی بربازار. از جملهٔ این سازوکارها می‌توان موارد زیر را نام برد: ایجاد نظام قیمتگذاری دوگانه به منظور بهبود تخصیص منابع، ایجاد بازار مبادلهٔ ارز خارجی، ایجاد مناطق آزاد اقتصادی برای

1. Incremental

ترویج سرمایه و تکنولوژی خارجی، استفاده از نظام مسئولیت قرار داد[۱]، به منظور تشویق رفتار عوامل اقتصادی، تفویض اختیار به برخی از حکومتهای محلی برای وضع و اجرای قوانینی که جهتگیری به سوی بازار دارند، و تمرکززدایی از تصمیمات، به منظور تشویق مقامات رسمی در سطح محلی.[۲]

د) تلاش رهبران چین برای حفظ ویژگی سوسیالیستی اقتصاد. به بیان دیگر، هم خصوصی‌سازی در سطحی وسیع صورت گرفته است و هم حاکمیت مالکیت عمومی وکنترل بخشهای راهبردی اقتصادی از سوی دولت همچنان باقی است. در آخرین تحلیل می‌توان گفت که بخشهای خصوصی و عمومی اقتصاد چین به عنوان مکمل یکدیگر عمل می‌کنند. مقامات چین، با این برداشت، سیاستهایی را که موجب رشد و ترقی نظام مبتنی بر بازار می‌شد، از جمله استفاده از انگیزه‌های مادی، اتخاذ نمودند. یک نمونه، نظام مسئولیت خانوار در بخش کشاورزی است که از یک سو تابع مالکیت عمومی زمین است، اما از سوی دیگر، خانوارها مازاد تولید خود را می‌توانند در بازار به قیمتهای آزاد بفروشند.

هـ) تمرکززدایی از تصمیمگیریهای اقتصادی، تمرکززدایی مسئله‌ای است که طی دورهٔ پیش از اصلاحات نیز صورت پذیرفته بود، اما روند تمرکززدایی از سال ۱۹۷۸، به واسطهٔ عمق و وسعت آن متمایز از گذشته است و با کاربرد و سازوکارهای بازار تلفیق شده است. تمرکززدایی جدید از یک سو اساساً با قطع رابطهٔ کارگزاران اقتصادی و دولت مشخص می‌شود - بدین معنا که کارگزاران اقتصادی برمبنای علایم بازار تصمیمگیری می‌کنند - و از سوی دیگر، در تخصیص منابع، به حکومتهای محلی استقلال عمل بسیاری داده می‌شود.[۳]

آنچه گذشت مهمترین ویژگیهای اصلاحات چین طی سالهای ۱۹۷۸-۱۹۹۶ بود. حال با عنایت به این ویژگیها، به بررسی سیاستها و دوره‌های اصلاحات طی زمان مورد نظر، می‌پردازیم.

---

۱. یعنی نظامی که کشاورزان براساس یک قرارداد متعهد می‌شوند که میزان خاصی از محصولات خود را تحویل دولت دهند و مازاد بر آن را می‌توانند در بازار به قیمتهای آزاد بفروشند.

2. Mario Bejer, David Burton, Steven Dunaway and Gyorgy Szapary (1991). *China: Economic Reform and Macroeconomic Management.* International Monetary Fund, Occasional Paper 76. Washington D.C.: IMF, 3.

3. Michael W.Bell, Hoe Ee Khor, and Kalpana Kochhar (1993). *China at the Threshold of a Market Economy,* International Monetary Fund,Occasional Paper 107. Washington D.C.: IMF,5.

## ۲. مراحل اصلاحات اقتصادی طی سالهای ۱۹۷۸-۱۹۹۶

اصلاحات اقتصادی چین در عصر دنگ شیائوپینگ به چهار مرحله تقسیم می‌شود: مرحلهٔ اول دورهٔ ۱۹۷۸-۱۹۸۴، مرحلهٔ دوم دورهٔ ۱۹۸۴-۱۹۸۸، مرحلهٔ سوم دورهٔ ۱۹۸۸-۱۹۹۱، و مرحلهٔ چهارم ۱۹۹۲-۱۹۹۶.

در مراحل اولیه، تلاشهای اصلاحی عمدتاً حول محور شکوفا ساختن اقتصاد و زدودن مائوگرایی می‌گردید. از دیدگاه رهبران جدید، عوامل اصلی کندی روند توسعهٔ اقتصادی چین، عبارت بود از:

اول - مردود انگاشتن نظام مبتنی بر بازار.

دوم - مساوات‌طلبی و تکیه برتلاشهای جمعی همراه با تبلیغات منفی در باره انگیزه‌های کاردستمزدی.

سوم - اتخاذ سیاست خوداتکایی در همهٔ سطوح ملی، استانی و کمونها.[1]

بنابراین، موانع یادشده را باید از سرراه برمی‌داشتند و با اقداماتی، در اقتصاد، تحرک جدیدی پدید می‌آورند. بدین ترتیب، در اصلاحات جدید شاهد طرفداری از نظام مبتنی بر بازار، تشویق انگیزه‌های فردی، و سیاست استفاده از تجارب و علوم و فنون دیگران هستیم.

در این قسمت، به بررسی مراحل برنامه‌ها و سیاستهای اصلاحی طی سالهای ۱۹۷۸-۱۹۹۶ می‌پردازیم.

### ۱. مرحلهٔ اول توسعهٔ اقتصادی

این مرحله در سال ۱۹۷۸ آغاز شد و در سال ۱۹۸۴ پایان یافت. در مرحلهٔ اول اصلاحات، سیاستهایی اتخاذ شد که شبیه سیاستهایی بود که در اوایل دههٔ ۱۹۶۰، متعاقب سیاست جهش بزرگ به جلو و به منظور تجدید قوای اقتصادی، اتخاذ شده بود. این سیاستها بر مشوقهای مادی تأکید می‌ورزیدند و برای بازار نقش عمده‌ای قایل بودند. بدین منظور، در بخش کشاورزی قیمتهای خرید محصولات کشاورزی از سوی دولت افزایش یافت، گوناگونی و ویژه کاری محصولات مورد

1. Ibid.

تشویق قرار گرفت، شرایط در بازارهای روستایی مناسب شد، سازمان زراعت از سطح اشتراکی به سطح خانوار تمرکززدایی گردید. در بخش صنعت، دوباره نظام اعطای امتیاز ایجاد شد، کاهش جیره‌بندی همچنان حفظ شد و آزمایشهایی در خصوص حفظ سود توسط بنگاههای اقتصادی دولتی آغاز گردید. در روابط اقتصادی خارجی، سیاستهای ترجیحی در مناطق ویژهٔ اقتصادی، با هدف جلب سرمایه گذاری و تکنولوژی خارجی وگسترش صادرات، در پیش گرفته شد.[1]

## ۲. مرحلهٔ دوم توسعهٔ اقتصادی

این مرحله، در سالهای ۱۹۸۴-۱۹۸۸ اجرا شد. در سال ۱۹۸۴، موفقیت اصلاحات اولیه در روستاها، مقامات را به اتخاذ مجموعهٔ وسیعی از اقدامات به منظور اصلاح بخشهای صنعتی شهری ترغیب نمود. این اقدامات، شامل ایجاد نظام قیمتگذاری دوگانه، وضع مالیات بربنگاههای اقتصادی، اصلاح نظام دستمزد به منظور ایجاد رابطهٔ نزدیکتری میان دستمزد و تولید، و انحلال نظام تک بانکی بود که به ایجاد بانک مرکزی منجر می‌شد. نظام سرمایه گذاری، به منظور تشویق بنگاههای اقتصادی برای اخذ وام از نظام بانکی برای پروژه‌های مالی که همچون گذشته بیشتر متکی بردولت بودند، اصلاح گردید. نظام تسهیم درآمد[2] بین حکومتهای مرکزی و محلی، به منظور حفظ افزایش درآمد حکومتهای محلی اصلاح گردید. به منظور جذب سرمایهٔ بیشتر و کسب اطلاعات فنی، ۱۴ شهر مهم در نواحی ساحلی به روی تجارت و سرمایه گذاری خارجی گشایش یافتند. در سال ۱۹۸۶، بسیاری از این اقدامات، اصلاح شده و گسترش یافت.[3]

## ۳. مرحلهٔ سوم توسعهٔ اقتصادی

مرحلهٔ سوم اصلاحات، در سالهای ۱۹۸۸-۱۹۹۱ انجام گرفت. این مرحله، بیانگر یک دورهٔ مستحکم‌سازی است. اصلاحات اتخاذ شده در رونق بخشیدن به تقاضا و تولید موفق بود، اما موجب افزایش تورم شد، به طوری که در اوایل سال ۱۹۸۸، نرخ تورم سالیانه به سطحی معادل دو برابر رسید. اقدامات مستحکم‌سازی در تثبیت قیمتها موفق شد، اما موجب کُندی رشد اقتصادی،

1. Ibid, p.3.
2. Revenue-Sharing System
3. Ibid

به ویژه در بخش صنعتی گردید. در نتیجه، زیان بنگاههای اقتصادی دولتی افزایش یافت، بدهی بنگاههای اقتصادی داخلی سیر صعودی طی نمود، و کالاها انباشته شد. بیم آن می‌رفت که این مسائل در مجموع، اوضاع کلان اقتصادی را بی‌ثبات نمایند. در اواخر سال ۱۹۹۰،برای جلوگیری از ظهور بحران اقتصادی و فعال کردن مجدد اقتصاد، مقامات چین متوسل به سیاستهای مالی و سرمایه گذاری شدند. با این تغییرات در سیاستها، بهبود اقتصادی حاصل شد.[1]

### ۴. مرحلهٔ چهارم توسعهٔ اقتصادی

سه دورهٔ اصلاحات (۱۹۷۸-۱۹۹۲)، به رغم آنکه دستاوردهای حیرت‌انگیزی برای چین به ارمغان آورد، اما مسائل و مشکلاتی نیز گریبانگیر اقتصاد چین نمود. این مشکلات اساساً ناشی از ماهیت بخشی اصلاحات طی سه دورهٔ قبل بود. بدین‌ترتیب، می‌بایست برای رفع این مشکلات، اقداماتی صورت می‌پذیرفت.

در اوایل سال ۱۹۹۲، مقامات چین پایان برنامهٔ اصلاحات دورهٔ سوم را اعلام کردند و قصد خود را مبنی بر تسریع فرایند اصلاحات و گشایش درهای اقتصادی اظهار نمودند. این روند، زمانی به اوج خود رسید که حزب کمونیست رسماً دیدگاه دنگ شیائوپینگ را مبنی براینکه نظام مبتنی‌بر بازار مغایر با آرمانهای سوسیالیسم نیست و آن را اقتصاد سوسیالیستی مبتنی‌بر بازار نامید، پذیرفت. بنابراین، ایجاد و گسترش اقتصاد سوسیالیستی مبتنی بر بازار به‌عنوان هدفی ملی پذیرفته شد و این هدف در مارس سال ۱۹۹۳، طی نخستین نشست نهمین کنگرهٔ ملی خلق، در قانون اساسی کشور گنجانده شد.

بدین‌سان، مرحلهٔ جدید اصلاحات اقتصادی چین عملاً در سال ۱۹۹۴ آغاز شد تا از عهده مسائل ناشی از اصلاحات جزیی و بخشی برآید و یک اقتصاد سوسیالیستی مبتنی بربازار ایجاد شود که در آن، نیروهای بازار نقش اولیه را در تخصیص منابع ایفا نمایند، و در عین حال، مالکیت عمومی (از جمله در شکل بنگاههای اقتصادی سهامی و تعاونیها)به عنوان بخش عمده‌ای از اقتصاد چین، باقی بماند.

راهبرد جدید، طیف گسترده‌ای از اصلاحات را در برمی‌گیرد. یکی از محورهای عمدهٔ این

1. Ibid

راهبرد، ایجاد زیرساخت ضروری به منظور مدیریت غیرمستقیم اقتصاد کلان است که نیازمند اصلاحات در حوزه‌هایی از قبیل نظام ارزی و تجاری، بانکداری مرکزی و نظام مالی، نظام مالیاتی و روابط مالیاتی بین حکومتها، و نظام سرمایه گذاری می‌باشد. سیاست ایجاد زیرساخت کلان اقتصادی با اصلاحات بنگاههای اقتصادی دولتی که محور دیگر راهبرد جدید است، توأم گردید. هدف از اصلاح بنگاههای اقتصادی دولتی، تبدیل آنها به بنگاههای اقتصادی نوینی است که موجودیتهایی مستقل، رقابتی و قانونی، و نسبت به سود و زیان خود، مسئول هستند. راهبرد جدید، اصلاحات نظام ارزی و تجاری، شامل ایجاد یک نرخ واحد ارز، یک بازار بین بانکی ارز خارجی، دسترسی آزادتر به ارز خارجی برای تجارت و معاملات تجاری، و کاهش محدودیتهای تجاری می‌شد. هدف از بخش سیاست پولی و اصلاحات بخشی مالی، تقویت بانکی خلق چین به عنوان بانک مرکزی با استقلال عمل بیشتر، توسعهٔ ابزارهای غیرمستقیم کنترل پولی، و به صورت تجاری در آوردن نظام بانکداری است. اصلاحات مالیاتی ایجاد یک نظام مالیاتی و نظام سهمیه‌بندی مجدد میان حکومتهای مرکزی و محلی را دنبال می‌نمود. اصلاحات بنگاههای اقتصادی عمدتاً حول محور اتخاذ نظام سهامداری و به صورت شرکت در آوردن بنگاههای اقتصادی است که میان مالکیت و مدیریت بنگاههای اقتصادی تفکیک ایجاد می‌کند.[1]

## ۳. تقابل و تمایز دو دورهٔ اصلاح اقتصادی

با مرور برنامه‌های اصلاحات اقتصادی طی دو دورهٔ مائوگرایی و دنگ گرایی،در می‌یابیم که تحولی آشکار در اسلوب و تداوم اصلاحات اقتصادی به چشم می‌خورد. در حالی که اقتصاد مائوگرایانه به دخالت مستقیم دولت در اقتصاد تأکید می‌نمود، اقتصاد دنگ‌گرایانه بیشتر برنقش ارشادی و دخالت غیرمستقیم دولت متکی است. اقتصاد مائوگرایانه، کمترین بهایی به علایق خصوصی و نقش بازار در تولید و مبادلهٔ کالا نمی‌داد، حال آنکه اقتصاد دنگ گرایانه عمدتاً براین مبناست. در اقتصاد مائوگرایانه، سیاستهای برون‌گرا و گشایش درهای اقتصادی در کمترین میزان

1. Wanda Tseng, Hoe Ee Khor, Kalpana Kochhar (1994). *Economic Reform in China: A New Phase.* International Monetary Fund, Occasional Paper 114, Washington D.C.: IMF, 2-3.

خود بود، حال آنکه در اقتصاد دنگ‌گرایانه این سیاستها از اولویت قاطع برخوردارند. بدین ترتیب، اصول اقتصادی متعارف، مقبول و مورد عمل در این دو دوره، متفاوت بود و طبیعتاً نتایج حاصل از آنها نیز تفاوت داشت. در حالی که اقتصاد مائوگرایانه همواره دچار نوسان، بی‌ثباتی و دستاوردهای ناچیز بود، اقتصاد دنگ گرایانه از ثبات نسبی و دستاوردهای عمدهٔ اقتصادی برخوردار است. برای مقایسهٔ دستاوردهای اقتصادی چین در این دو دوره، به شاخصهای کلان اقتصادی چین در جدولهای پیوست مقاله رجوع نمایید. در عصر دنگ شیائوپینگ که از سال ۱۹۷۸ آغاز شد، شاخصهای اقتصادی و اجتماعی چین رشد بسیار چشمگیری داشتند.

در مجموع، اصلاحاتی که طی این دوره اتخاذ شده و به اجرا درآمدند، دو وجه عمده داشتند: یکی وجه داخلی، که در این اصلاحات، عمدتاً به توسعهٔ تمرکززدایی، مشوقهای مادی، بازارهای داخلی، و مؤسسات تجاری و تولیدی غیردولتی می‌پرداختند. این اصلاحات کاملاً جنبهٔ عملگرایانه داشت و بهبود عملکرد نظام اقتصادی یا اصلاح موارد ناکارآمد آن را دنبال می‌کرد. دیگری وجه خارجی یا سیاستهای برون‌گرا، که این اصلاحات به منظور گشایش تدریجی درهای اقتصادی به روی کشورهای جهان و جذب سرمایه گذاری و تکنولوژی خارجی انجام می‌پذیرفت، و به همین منظور نیز مناطق آزاد اقتصادی ایجاد گردید.

اتخاذ این سیاستها به افزایش کارایی و بهره‌وری و دستاوردهای اقتصادی منتهی شد، به گونه‌ای که جهانیان را به شگفتی واداشت و در اواخر سده بیستم، از چین به عنوان ابرقدرت آینده نام بردند.

اما شاخصهای توسعهٔ سیاسی، از جمله رقابت فکری و ایدئولوژیک و مشارکت سیاسی در چین عقیم ماند. وقوع جنبش تیانان من در اواخر دههٔ ۱۹۸۰ گواهی براین مدعا بود. زیرا تلقی تظاهرکنندگان آن بود که بین دولت و جامعهٔ مدنی هیچ نوع ارتباط و پیوندی نیست و راههای مشروعی برای انعکاس خواستهای آنها وجود ندارد.

امروزه با افزایش سهم بخش غیردولتی در اقتصاد چین و خاصه از سال ۱۹۹۲ به بعد، ضرورت ارتباط میان دولت و جامعهٔ مدنی هرچه بیشتر جلوه می‌نماید و اگر تعارضی که ناشی از توسعهٔ اقتصادی بدون توسعهٔ سیاسی است، به گونه‌ای حل نشود، در نهایت، به صورت بحرانی عظیم گریبانگیر سیاستمداران چینی خواهد شد. بنابراین، مشکل امروزی چین، مشکل مردم‌سالاری و

پورالیسم سیاسی است.

به طور خلاصه، از مباحث فوق چنین نتیجه می‌گیریم که توسعهٔ اقتصادی و دستیابی به شاخصهای اقتصادی در تاریخ چین، طی سالهای ۱۹۴۹-۱۹۹۶ به خوبی مسیر گردیده است، اما توسعهٔ سیاسی همچنان تا به امروز به صورت مشکل اساسی چین، باقی مانده است و می‌توان مدعی شد که توسعهٔ چین، توسعه اقتصادی و اجتماعی بدون توسعهٔ سیاسی بوده است.

## ۴. نتیجه گیری

توسعهٔ اقتصادی چین در سده بیستم امکانپذیر شد و علاوه برتمرکززدایی که خصیصهٔ مشترک همهٔ کشورهایی است که از طرق غیردموکراتیک در سده بیستم در راه توسعه گام برداشته‌اند، مبتنی براقتدارگرایی نیز بود. توسعهٔ اقتصادی چین در سایهٔ مائوگرایی، هرچند دستاوردهایی داشت، اما زمانی به شکل نوین کلمه و همگام با تحولات جهانی ممکن شد که به آرامی از مائوگرایی و اصول اقتصادی آن فاصله گرفت و برخی پارامترهای اقتصادی نظام سرمایه‌داری، از قبیل مشوقهای مادی، تأکید بر تخصص یا ترکیبی از تخصص و تعهد، ایجاد و گسترش بازار، رقابت اقتصادی و مانند اینها به عاریت گرفته شد. این روند، در سالهای بعدی، با گشودن درهای اقتصادی، و در نهایت، در سال ۱۹۹۲، با اعلام نظام اقتصاد سوسیالیستی مبتنی بر بازار، به اوج خود رسید. به بیان دیگر، زمانی توسعهٔ چین به مفهوم امروزین کلمه امکانپذیر شد که الزامات عقلانیت و تمدن غربی (و حتی اگر بپذیریم گزیده‌ای از عناصر آن) پذیرفته شد. این سخن بدان مفهوم نیست که این پارامترها لزوماً خاص جوامع غربی است، بلکه بدان جهت حایز اهمیت است که اول بار جوامع مغرب زمین آنها را به کار گرفتند و این بیان بدون هیچ گونه ارزشگذاری است. بدین ترتیب، چینیها در عمل به تجربهٔ غربی توسعه نزدیک شدند، هر چند که در این راه از ابزارهای دیگر (از جمله تمرکزگرایی و اقتدارگرایی) بهره بردند. بنابراین، چین از جمله کشورهای آسیایی و شرقی است که در شعاع تمدن غرب قرار گرفته و توسعه یافته است (اما صرفاً در ابعاد اقتصادی).

حال پیامدهای توسعه و اصلاحات اقتصادی چین چه بود؟ پیامدهای توسعهٔ چین را جهت سهولت به دو دسته پیامدهای مثبت یا اقتصادی و پیامدهای منفی یا اجتماعی تقسیم می‌کنیم.

پس از اجرای اصلاحات، رشد واقعی اقتصادی به شدت شتاب گرفت، به طوری که آهنگ رشد خالص محصول مادی در مدت ۲۵ سال (۱۹۵۳-۱۹۷۸) به طور متوسط ۶ درصد بود، اما بین

سالهای ۱۹۷۸-۱۹۹۲ به بیش از ۹ درصد رسید. این شتاب مربوط به افزایش شدید بهره‌وری کل عوامل بوده است، هر چند که افزایش آهنگ رشد اقتصادی و ذخایر سرمایه نیز در آن سهیم بوده‌اند.

بخش کشاورزی نیز طی نخستین سالهای اصلاحات، بیش از همه در رشد بهره‌وری و تولید سهیم بوده است. بین سالهای ۱۹۷۸-۱۹۸۴، میانگین تولید سالانه ۸/۸ درصد افزایش داشت. اما طی سالهای ۱۹۸۴-۱۹۹۱، این رشد به حدود ۴ درصد تنزل نموده است که شاید دلیل عمدهٔ آن، تغییر جهت سرمایه‌گذاری از بخش کشاورزی به بخشهای صنعت و خدمات باشد.

در بخش صنعت، پس از سال ۱۹۷۸، تولید صنعتی نیز از رشد سریعتری برخوردار بوده است. علت اصلی این رشد به مؤسسات غیردولتی، شرکتهای انفرادی و سرمایه‌های خارجی مربوط می‌شود. بین سالهای ۱۹۸۰-۱۹۸۳ تولید شرکتهای دولتی به طور متوسط ۶ درصد و بین سالهای ۱۹۸۴-۱۹۸۸ بیش از ۱۰ درصد افزایش یافته است و بین سالهای ۱۹۸۹-۱۹۹۲، ارزش ناخالص تولید شرکتهای دولتی سالانه به طور متوسط ۲۴ درصد افزایش یافته است.

در خصوص توزیع درآمدها، رشد سریع نیمهٔ اول دههٔ ۱۹۸۰ موجب کاهش شدید فقر شد، به طوری که در سال ۱۹۸۴ کمتر از ۹ درصد جمعیت را شامل می‌شد، در حالی که این در سال ۱۹۷۸ به ۲۸ درصد می‌رسید. افزایش بسیار زیاد بهره‌وری و تولید در کشاورزی، موجب کاهش فقر در روستاها از ۳۳ درصد در سال ۱۹۷۸ به حدود ۱۱ درصد در سال ۱۹۸۴ شد. اما در عین حال، هم‌اکنون نابرابری درآمدها امری مشهود است. در بخش صادرات، طی سالهای ۱۹۸۰-۱۹۹۱، میانگین سالانه صادرات با قیمتهای ثابت ۱۲ درصد افزایش یافت و در سال ۱۹۹۱ چین به مقام سیزدهمین صادرکنندهٔ جهانی مبدل شد و تجارت خارجی نسبت به محصول ناخالص ملی با قیمت ثابت از ۱۲/۸ درصد در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۳۸ درصد در سال ۱۹۹۲ افزایش یافت.

در زمینه ایجاد اشتغال، رشد بخش غیردولتی، منبع اشتغال در دههٔ ۱۹۸۰ است. بین سالهای ۱۹۸۵-۱۹۹۱، رشد اشتغال در شرکتهای تعاونی و خصوصی روستایی ۴۳ درصد از کل رشد اشتغال را شامل می‌شد. این شرکتها توانستند شماری از کارگران بازار بخش کشاورزی را در خود جذب کنند. شرکتهای خصوصی و خارجی شهری بین ۲ درصد تا ۴ درصد و شرکتهای تعاونی شهری ۴ درصد رشد در ایجاد اشتغال داشته‌اند و شرکتهای دولتی در این زمینه ۲۰ درصد رشد نشان می‌دهند.

در بخش خدمات، از زمان شروع اصلاحات از حدود ۲۱ درصد به ۲۷ درصد محصول

ناخالص ملی رشد حاصل شده است و این بخش سهم شایانی در ایجاد اشتغال داشته است، به طوری که در سال ۱۹۹۲ مقامات چین توسعهٔ آن را تشویق نموده‌اند (به جدولهای پیوست نگاه کنید).

در مجموع، از دیدگاه عموم کارشناسان اقتصادی سازمانهای اقتصادی، پولی و مالی بین‌المللی، پیامدهای اقتصادی اصلاحات چین بسیار موفقیت آمیز و حتی در مواردی حیرت‌انگیز بوده است.

حال به پیامدهای منفی یا اجتماعی اصلاحات در چین می‌پردازیم.

چین در حالی که با اعمال اصلاحات گستردهٔ اقتصادی، موفقیتهایی را در این بخش کسب کرده، اما به دلیل محدود بودن اصلاحات سیاسی و اجتماعی با معضلاتی اجتماعی، از جمله فسادهای دولتی و نیز گسترش برخی مفاسد و ناهنجاریهای اجتماعی رو به رو بوده است. این مفاسد، دامنگیر بسیاری از مقامات حزبی و دولتی نیز شده است. مسائلی از قبیل رشوه‌خواری، اختلاس، سوء استفاده از موقعیت و اموال دولتی و سایر مفاسد مالی در دستگاههای دولتی، در روابط دولت و مردم ایجاد اختلال و نوعی بی‌اعتمادی کرده است. به همین دلیل، مبارزه با مفاسد اجتماعی و اداری یکی از موضوعهایی بود که به طور جدی در دستورکار حزب و دولت چین قرار داشت. در این زمینه، کمیتهٔ انضباطی حزب کمونیست چین در اواسط سال ۱۹۹۲ در اجلاس خود خواستار مبارزهٔ همه جانبه با رشوه‌گیری و مفاسد دیگر در حزب، دستگاههای دولتی و غیردولتی شد. این تصمیم، برای چندمین بار در سالهای اخیر موج جدیدی را جهت مبارزه با مفاسد اجتماعی به دنبال داشت.

کمیتهٔ مزبور برای جلوگیری از رشد مفاسد تأکید کرد که کادرهای بالای حزب کمونیست حق ایجاد شرکتهای تجاری، اقتصادی، خرید سهام، دریافت هدیه، استفاده از سرمایه‌های دولتی و سوء استفاده از قدرت برای ایجاد شرکتهای تجاری و اقتصادی برای وابستگان خود را ندارند.

هر چند که رهبران چین در گذشته بارها به شیوه‌های گوناگون به مقابله با این مفاسد پرداخته‌اند، اما نه تنها این تلاشها حاصلی دربرنداشته است، بلکه رشد فزایندهٔ مفاسد به سیر خود ادامه داده و به سرعت در سطوح مختلف رخنه کرده است. آمارهای ارائه شده از سوی منابع دولتی چین، بیانگر وجود ۱/۵ میلیون پروندهٔ تخلفات و فسادهای مختلف متعلق به اعضای حزب کمونیست چین است که این تخلفات نارضایتی زیادی در بین مردم، به ویژه روشنفکران چینی پدید

آورده است.

در این زمینه، بسیاری از مقامات حزبی و دولتی چین به پای میز محاکمه کشانده شده و به مجازاتهای سنگین و حتی اعدام محکوم شده‌اند، اما استمرار این گونه مفاسد، بیانگر عمق معضلات اجتماعی چین بوده که اعمال خط مشی درهای باز بر شدت آن افزوده است.

از سوی دیگر، مفاسد دیگری از جمله قاچاق مواد مخدر، روسپیگری، سرقت و انواع جنایات که از سایر پیامدهای سیاست درهای باز چین است، در سالهای اخیر رشد زیادی داشته است. در سال ۱۹۹۳، رهبران چین تلاشهای گسترده‌ای برای مبارزه با این گونه معضلات انجام دادند. هرچند که با تشکیل کمیتهٔ خلقی مبارزه با مواد مخدر و تصویب قوانین جدید، عوامل حمل، قاچاق، خرید و فروش، و تولید بیش از یک کیلوگرم تریاک و پنجاه گرم هروئین در مقابل جوخه‌های مرگ قرار می‌گیرند. اما افزایش اعتیاد به مواد مخدر در سطح چین، خاصه مناطق ساحلی و بندری جنوب این کشور، ادامه دارد.

در همین حال، با افزایش روزافزون استعمال مواد مخدر، کشت پنهانی خشخاش در برخی از مناطق دورافتاده و مرزی چین نیز دوباره احیا شده است.

در حال حاضر، بخش عمدهٔ استعمال کنندگان مواد مخدر در چین را نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند و در برخی از مناطق بیش از ۸۰ درصد معتادان از نوجوانان می‌باشند. مسئله روسپیگری از دیگر معضلات اجتماعی جامعهٔ فقیر ودر حال گذار چین است. کنگرهٔ خلق چین برای جلوگیری از خودفروشی و نیز خرید و فروش زنان، قوانینی را تصویب کرده و برای مرتکبین به این خلافها مجازاتهایی تا سطح اعدام پیش بینی کرده است. در سال ۱۹۹۳، همچنین گونه‌های دیگری از مظاهر منفی دوران اصلاحات اقتصادی چین، از قبیل دلالی ارز، اشتغال در دکه‌ها و تکدّی، به سرعت در شهرهای بزرگ این کشور رشد و نمو یافت و ضمن آنکه چهرهٔ این گونه شهرها را زشت و مخدوش کرد، نسل جوان چین را که باید در دوران سازندگی این کشور نقش فعالی داشته باشند به سوی مشاغل کاذب سوق داد.

از دیگر پیامدهای منفی توسعهٔ اقتصادی - صنعتی چین، آلودگی محیط زیست و اختصاص یافتن زمینهای کشاورزی به بخش صنعت، به منظور اجرای پروژه‌های صنعتی است.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که پیامدهای اقتصادی توسعهٔ چین، مثبت و قابل ملاحظه، و پیامدهای اجتماعی آن، منفی بود و در حوزهٔ سیاسی نیز اصلاحاتی صورت نگرفت.

**جدول ۱. برگزیده شاخصهای کلان اقتصادی چین : ۱۹۵۲-۱۹۹۲**

| سال | محصول ناخالص واقعی مواد | قیمتهای عمومی خرده‌فروشی | موازنهٔ بودجهٔ دولتی | صادرات (میلیارد دلار) | واردات (میلیارد دلار) | موازنهٔ تجاری (میلیارد دلار) |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۹۵۲ | ... | ... | ۱/۳ | ۰/۸ | ۱/۱ | -۰/۲ |
| ۱۹۵۳ | ۱۴ | ۲/۴ | ۰/۴ | ۱ | ۱/۴ | -۰/۴ |
| ۱۹۵۴ | ۵/۸ | ۲/۳ | ۲/۲ | ۱/۱ | ۱/۲ | -۰/۲ |
| ۱۹۵۵ | ۶/۴ | ۱ | ۰/۲ | ۱/۴ | ۱/۷ | -۰/۳ |
| ۱۹۵۶ | ۱۴/۱ | - | -۰/۲ | ۱/۶ | ۱/۶ | - |
| ۱۹۵۷ | ۴/۵ | ۱/۵ | ۰/۷ | ۱/۶ | ۱/۵ | ۰/۱ |
| ۱۹۵۸ | ۲۲ | ۰/۲ | -۱/۹ | ۲ | ۱/۹ | ۰/۱ |
| ۱۹۵۹ | ۸/۲ | ۰/۹ | -۵/۳ | ۲/۳ | ۲/۱ | ۰/۲ |
| ۱۹۶۰ | -۱/۴ | ۳/۱ | -۶/۷ | ۱/۹ | ۲ | -۰/۱ |
| ۱۹۶۱ | -۲۹/۷ | ۱۶/۲ | -۱/۱ | ۱/۵ | ۱/۵ | - |
| ۱۹۶۲ | -۶/۵ | ۳/۸ | ۰/۹ | ۱/۵ | ۱/۲ | ۰/۳ |
| ۱۹۶۳ | ۱۰/۷ | -۵/۹ | ۰/۳ | ۱/۶ | ۱/۳ | ۰/۳ |
| ۱۹۶۴ | ۱۶/۵ | -۳/۷ | - | ۱/۹ | ۱/۵ | ۰/۴ |
| ۱۹۶۵ | ۱۶/۹ | -۲/۷ | ۰/۵ | ۲/۲ | ۲ | ۰/۲ |
| ۱۹۶۶ | ۱۷ | -۰/۳ | ۱ | ۲/۴ | ۲/۲ | ۰/۲ |
| ۱۹۶۷ | -۷/۲ | -۰/۷ | -۱/۵ | ۲/۱ | ۲ | ۰/۱ |
| ۱۹۶۸ | -۶/۵ | ۰/۱ | ۰/۱ | ۲/۱ | ۲ | ۰/۱ |
| ۱۹۶۹ | ۱۹/۳ | -۱/۱ | - | ۲/۲ | ۱/۸ | ۰/۴ |
| ۱۹۷۰ | ۲۳/۳ | -۰/۲ | ۰/۷ | ۲/۳ | ۲/۳ | - |
| ۱۹۷۱ | ۷ | -۰/۸ | ۰/۶ | ۲/۶ | ۲/۲ | ۰/۴ |
| ۱۹۷۲ | ۲/۹ | -۰/۲ | - | ۳/۴ | ۲/۹ | ۰/۵ |
| ۱۹۷۳ | ۸/۳ | ۰/۶ | - | ۵/۸ | ۵/۲ | ۰/۶ |

**ادامه جدول ۱.**

| سال | محصول ناخالص واقعی مواد | قیمتهای عمومی خرده‌فروشی | موازنهٔ بودجهٔ دولتی | صادرات (میلیارد دلار) | واردات (میلیارد دلار) | موازنهٔ تجاری (میلیارد دلار) |
|---|---|---|---|---|---|---|
| ۱۹۷۴ | ۱/۱ | ۰/۵ | -۰/۳ | ۶/۹ | ۷/۶ | -۰/۷ |
| ۱۹۷۵ | ۸/۳ | ۰/۲ | -۰/۲ | ۷/۳ | ۷/۵ | -۰/۲ |
| ۱۹۷۶ | -۲/۷ | ۰/۳ | -۱/۲ | ۶/۹ | ۶/۶ | ۰/۳ |
| ۱۹۷۷ | ۷/۸ | ۲ | ۱/۱ | ۷/۶ | ۷/۲ | ۰/۴ |
| ۱۹۷۸ | ۱۱/۷ | ۰/۷ | ۰/۳ | ۹/۸ | ۱۰/۹ | -۱/۱ |
| ۱۹۷۹ | ۷/۶ | ۲ | -۵/۱ | ۱۳/۷ | ۱۵/۷ | -۲ |
| ۱۹۸۰ | ۷/۹ | ۶ | -۲/۵ | ۱۸/۱ | ۲۰ | -۱/۹ |
| ۱۹۸۱ | ۴/۴ | ۲/۴ | -۰/۶ | ۲۲ | ۲۲ | - |
| ۱۹۸۲ | ۸/۸ | ۱/۹ | -۰/۷ | ۲۲/۳ | ۱۹/۳ | ۳ |
| ۱۹۸۳ | ۱۰/۴ | ۱/۵ | -۰/۹ | ۲۲/۲ | ۲۱/۴ | ۰/۸ |
| ۱۹۸۴ | ۱۴/۷ | ۲/۸ | -۰/۸ | ۲۶/۱ | ۲۷/۴ | -۱/۳ |
| ۱۹۸۵ | ۱۲/۸ | ۸/۸ | ۰/۳ | ۲۷/۴ | ۴۲/۲ | -۱۴/۸ |
| ۱۹۸۶ | ۸/۱ | ۶ | -۰/۹ | ۳۰/۹ | ۴۲/۹ | -۱۲ |
| ۱۹۸۷ | ۱۰/۹ | ۷/۲ | -۰/۹ | ۳۹/۴ | ۴۳/۲ | -۳/۸ |
| ۱۹۸۸ | ۱۱/۳ | ۱۸/۶ | -۰/۷ | ۴۷/۵ | ۵۵/۲ | -۷/۷ |
| ۱۹۸۹ | ۴/۴ | ۱۷/۸ | -۰/۷ | ۵۲/۵ | ۵۹/۱ | -۶/۶ |
| ۱۹۹۰ | ۴/۱ | ۲/۱ | -۱ | ۶۲/۱ | ۵۳/۴ | ۸/۷ |
| ۱۹۹۱ | ۷/۷ | ۲/۷ | -۰/۸ | ۷۱/۹ | ۶۳/۸ | -۸/۱ |
| ۱۹۹۲ | ۱۳ | ۵/۳ | -۱ | ۸۵ | ۸۰/۶ | ۴/۴ |

مأخذ: China Statistical Yearbook, 1992.

## جدول ۲. منابع رشد چین (به قیمتهای ثابت سال ۱۹۸۷)

| | ۱۹۷۸ | ۱۹۷۹ | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۱ | ۱۹۸۲ | ۱۹۸۳ | ۱۹۸۴ | ۱۹۸۵ | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۸ | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| نرخ رشد ناخالص داخلی (واقعی) | .. | ۷/۶۱ | ۷/۷۱ | ۴/۵۱ | ۸/۶۸ | ۱۰/۱۱ | ۱۴/۴۹ | ۱۲/۹۸ | ۸/۴۳ | ۱۱/۲۵ | ۱۱/۲۲ | ۴/۵۶ | ۵/۵۷ | ۶/۹۸ |
| - از دیدگاه عرضه: | | | | | | | | | | | | | | |
| نرخ رشد کشاورزی | .. | ۶/۱۰ | -۱/۴۰ | ۷/۰۰ | ۱۱/۵۰ | ۸/۳۰ | ۱۳/۰۰ | ۱/۸۰ | ۳/۳۰ | ۴/۷۰ | ۲/۵۰ | ۳/۱۰ | ۷/۵۰ | ۳/۲۰ |
| نرخ رشد صنعت | .. | ۸/۷۰ | ۱۲/۶۰ | ۱/۷۰ | ۵/۸۰ | ۹/۷۰ | ۱۴/۹۰ | ۱۸/۲۰ | ۹/۷۰ | ۱۳/۲۰ | ۱۵/۳۰ | ۵/۱۰ | ۵/۷۰ | ۱۱/۴۰ |
| نرخ رشدموارد دیگر | .. | ۸/۳۲ | ۱۴/۱۸ | ۵/۵۲ | ۹/۱۶ | ۱۳/۲۳ | ۱۵/۸۹ | ۲۰/۲۰ | ۱۲/۳۳ | ۱۵/۲۵ | ۱۳/۸۶ | ۵/۰۴ | ۳/۸۴ | ۴/۱۸ |
| سهم کشاورزی درمحصول ناخالص داخلی | ۳۸/۲۰ | ۳۷/۶۶ | ۳۴/۴۸ | ۳۵/۳۰ | ۳۶/۲۱ | ۳۵/۶۲ | ۳۵/۱۵ | ۳۱/۶۸ | ۳۰/۱۸ | ۲۸/۴۰ | ۲۶/۱۷ | ۲۵/۸۱ | ۲۶/۲۸ | ۲۵/۳۵ |
| سهم صنعت درمحصول ناخالص داخلی | ۳۷/۶۹ | ۳۸/۰۷ | ۳۹/۸۰ | ۳۸/۷۳ | ۳۷/۷۰ | ۳۷/۵۶ | ۳۷/۷۰ | ۳۹/۴۴ | ۳۹/۹۰ | ۴۰/۶۰ | ۴۲/۰۹ | ۴۲/۳۱ | ۴۲/۳۶ | ۴۴/۱۱ |
| سهم موارد دیگر در محصول ناخالص داخلی | ۲۴/۱۱ | ۲۴/۲۶ | ۲۵/۷۲ | ۲۵/۹۷ | ۲۶/۰۸ | ۲۶/۸۲ | ۲۷/۱۵ | ۲۸/۸۸ | ۲۹/۹۲ | ۳۱/۰۰ | ۳۱/۷۴ | ۳۱/۸۸ | ۳۱/۳۶ | ۳۰/۵۴ |
| سهم کل | | | | | | | | | | | | | | |
| سهم کشاورزی در سال گذشته. ضریب | .. | ۲/۳۳ | -۰/۵۳ | ۲/۴۱ | ۴/۰۶ | ۳/۰۱ | ۴/۶۳ | ۰/۶۳ | ۱/۰۵ | ۱/۴۲ | ۰/۷۱ | ۰/۸۱ | ۱/۹۴ | ۰/۸۴ |
| سهم صنعتی در سال گذشته. ضریب | .. | ۳/۲۸ | ۴/۸۰ | ۰/۶۸ | ۲/۲۵ | ۳/۶۶ | ۵/۶۰ | ۶/۸۶ | ۳/۸۳ | ۵/۲۷ | ۶/۲۱ | ۲/۱۵ | ۲/۴۱ | ۴/۸۳ |
| سهم موارد دیگر درسال گذشته. ضریب | .. | ۲/۰۱ | ۳/۴۴ | ۱/۴۲ | ۲/۳۸ | ۳/۴۵ | ۴/۲۶ | ۵/۴۸ | ۳/۵۶ | ۴/۵۶ | ۴/۳۰ | ۱/۶۰ | ۱/۲۲ | ۱/۳۱ |
| میانگین ضریب دارنرخ رشد | .. | ۷/۶۱ | ۷/۷۱ | ۴/۵۱ | ۸/۶۸ | ۱۰/۱۱ | ۱۴/۴۹ | ۱۲/۹۸ | ۸/۴۳ | ۱۱/۲۵ | ۱۱/۲۲ | ۴/۵۶ | ۵/۵۷ | ۶/۹۸ |
| - ازدیدگاه تقاضا: | | | | | | | | | | | | | | |
| نرخ رشد مصرف کل | .. | ۷/۲۷ | ۱۱/۲۵ | ۶/۰۸ | ۲/۷۶ | ۱۰/۷۳ | ۱۳/۲۶ | ۹/۳۱ | ۲/۶۹ | ۸/۲۸ | ۱۲/۸۱ | ۶/۴۷ | ۲/۲۱ | ۷/۵۱ |
| نرخ رشدناخالص سرمایه گذاری داخلی | .. | ۱۰/۳۸ | -۰/۶۲ | -۵/۲۳ | ۱۰/۵۵ | ۱۲/۶۱ | ۲۱/۷۹ | ۴۰/۳۵ | ۹/۱۱ | ۸/۲۵ | ۱۱/۸۶ | ۱/۶۷ | ۰/۵۰ | ۴/۳۸ |
| صادرات کالاهاونرخ رشد | | | | | | | | | | | | | | |

## ادامه جدول ۲.

| | ۱۹۷۸ | ۱۹۷۹ | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۱ | ۱۹۸۲ | ۱۹۸۳ | ۱۹۸۴ | ۱۹۸۵ | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۸ | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| خدمات منهای عوامل تولید | .. | ۲۷/۹۸ | ۲۷/۷۲ | ۲۵/۲۶ | ۷/۵۹ | ۲/۲۰ | ۱۴/۹۴ | ۴/۱۲ | ۲۳/۰۹ | ۱۸/۲۰ | ۱۴/۷۶ | ۷/۸۸ | ۱۲/۵۳ | ۱۳/۹۴ |
| واردات کالاها و نرخ رشد | | | | | | | | | | | | | | |
| خدمات منهای عوامل تولید | .. | ۲۸/۷۴ | ۱۸/۷۷ | ۷/۲۵ | -۱۶/۵۷ | ۱۰/۶۴ | ۲۶/۵۸ | ۵۲/۷۴ | -۱/۴۴ | -۱/۸۹ | ۲۳/۳۹ | ۷/۸۹ | -۱۲/۸۱ | ۱۰/۷۱ |
| سهم مصرف کل در | | | | | | | | | | | | | | |
| محصول ناخالص داخلی | ۶۹/۰۲ | ۶۸/۸۰ | ۷۱/۰۶ | ۷۲/۱۲ | ۶۸/۱۹ | ۶۸/۵۲ | ۶۷/۸۴ | ۶۵/۶۴ | ۶۲/۱۶ | ۶۰/۵۰ | ۶۱/۳۷ | ۶۲/۴۹ | ۶۰/۵۰ | ۶۰/۸۰ |
| سهم سرمایه گذاری | | | | | | | | | | | | | | |
| ناخالص داخلی به | | | | | | | | | | | | | | |
| محصول ناخالص داخلی | ۳۴/۰۲ | ۳۴/۹۰ | ۳۲/۲۰ | ۲۹/۲۰ | ۲۹/۷۰ | ۳۰/۳۷ | ۳۲/۳۱ | ۴۰/۱۳ | ۴۰/۳۹ | ۳۹/۳۰ | ۳۹/۵۳ | ۳۸/۴۳ | ۳۶/۵۹ | ۳۵/۷۰ |
| سهم صادرات کالاها و | | | | | | | | | | | | | | |
| خدمات منهای عوامل | | | | | | | | | | | | | | |
| تولید در محصول | | | | | | | | | | | | | | |
| ناخالص داخلی | ۸/۳۱ | ۹/۸۸ | ۱۱/۷۱ | ۱۴/۰۴ | ۱۳/۹۰ | ۱۲/۹۰ | ۱۲/۹۵ | ۱۱/۹۴ | ۱۳/۵۵ | ۱۴/۴۰ | ۱۴/۸۵ | ۱۵/۳۳ | ۱۶/۳۴ | ۱۷/۴۰ |
| سهم واردات کالاها و خدمات | | | | | | | | | | | | | | |
| منهای عوامل تولید در | | | | | | | | | | | | | | |
| محصول ناخالص داخلی | -۱۱/۳۵ | -۱۳/۵۷ | -۱۴/۹۷ | -۱۵/۳۶ | -۱۱/۷۹ | -۱۱/۸۵ | -۱۳/۱۰ | -۱۷/۷۱ | -۱۶/۱۰ | -۱۴/۲۰ | -۱۵/۷۵ | -۱۶/۲۵ | -۱۳/۴۲ | -۱۳/۸۹ |
| سهم کل: | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ | ۱۰۰/۰۰ |
| سهم کل مصرف (۱-). ضریب | .. | ۵/۰۲ | ۷/۷۴ | ۴/۳۲ | ۱/۹۹ | ۷/۳۲ | ۹/۰۹ | ۶/۳۲ | ۱/۷۷ | ۵/۱۵ | ۷/۷۵ | ۳/۹۷ | ۱/۳۸ | ۴/۵۴ |
| سهم سرمایه گذاری ناخالص | | | | | | | | | | | | | | |
| داخلی (۱-). ضریب | .. | ۳/۵۳ | -۰/۲۲ | -۱/۶۸ | ۳/۰۸ | ۳/۷۴ | ۶/۶۲ | ۱۳/۰۴ | ۳/۶۶ | ۳/۳۳ | ۴/۶۶ | ۰/۶۶ | ۰/۱۹ | ۱/۶۰ |
| سهم صادرات کالاها و خدمات | | | | | | | | | | | | | | |
| منهای عوامل تولید | | | | | | | | | | | | | | |
| (۱-). ضریب | .. | ۲/۳۲ | ۲/۷۴ | ۲/۹۶ | ۱/۰۷ | ۰/۳۱ | ۱/۹۳ | ۰/۵۳ | ۲/۷۶ | ۲/۴۷ | ۲/۱۲ | ۱/۱۷ | ۱/۹۲ | ۲/۲۸ |
| سهم واردات کالاها و خدمات | | | | | | | | | | | | | | |
| منهای عوامل تولید | | | | | | | | | | | | | | |
| (۱-). ضریب | .. | -۳/۲۶ | -۲/۵۵ | -۱/۰۹ | ۲/۵۵ | -۱/۲۶ | -۳/۱۵ | -۶/۹۱ | ۰/۲۵ | ۰/۳۰ | -۳/۳۲ | -۱/۲۴ | ۲/۰۸ | -۱/۴۴ |
| میانگین ضریب دارنرخ رشد | .. | ۷/۶۱ | ۷/۷۱ | ۴/۵۱ | ۸/۶۸ | ۱/۱۱ | ۱۴/۴۹ | ۱۲/۹۸ | ۸/۴۳ | ۱۱/۲۵ | ۱۱/۲۲ | ۴/۵۶ | ۵/۵۷ | ۶/۹۸ |

مأخذ: Statistical Abstract, 1992,pp. 58-60.

## جدول ۳. شاخصهای بخش خارجی

| | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۵ | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۸ | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۲ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| صادرات | ۱۸/۱ | ۲۷/۳ | ۳۰/۹ | ۳۹/۴ | ۴۷/۵ | ۵۲/۵ | ۶۲/۱ | ۷۱/۹ | ۸۵ |
| واردات | ۲۰ | ۴۲/۳ | ۴۲/۹ | ۴۳/۲ | ۵۵/۳ | ۵۹/۲ | ۵۳/۴ | ۶۳/۸ | ۸۰/۶ |
| صادرات (قیمتهای سال ۱۹۸۰) | ۱۸/۲ | ۳۱/۶ | ۳۶/۳ | ۴۱/۴ | ۴۷ | ۵۰/۶ | ۵۵/۴ | ۶۳/۹ | ۷۳/۲ |
| واردات (قیمتهای سال ۱۹۸۰) | ۲۰ | ۴۴/۸ | ۳۹/۵ | ۳۷/۵ | ۴۴/۹ | ۴۹/۷ | ۴۲/۵ | ۵۰ | ۶۱/۸ |
| نسبت واردات به محصول ناخالص ملی | ۶/۷ | ۱۴/۵ | ۱۵/۳ | ۱۴/۲ | ۱۴/۷ | ۱۴ | ۱۴/۴ | ۱۷/۱ | ۱۸/۸ |
| نسبت صادرات به محصول ناخالص ملی | ۶/۱ | ۹/۴ | ۱۱ | ۱۲/۹ | ۱۲/۶ | ۱۲/۴ | ۱۶/۸ | ۱۹/۳ | ۱۹/۸ |
| گشایش درهای اقتصادی | ۱۲/۸ | ۲۳/۹ | ۲۶/۳ | ۲۷/۱ | ۲۷/۳ | ۲۶/۴ | ۳۶/۲ | ۳۶/۴ | ۳۸/۶ |
| نرخ رشد واقعی صادرات | | ۹/۸ | ۱۵/۲ | ۱۴/۱ | ۱۳/۵ | ۷/۶ | ۹/۴ | ۱۵/۳ | ۱۴/۷ |
| نرخ رشد واقعی واردات | | ۲۳/۴ | -۱۱/۸ | -۵/۱ | ۱۹/۷ | ۱۰/۷ | -۱۴/۶ | ۱۷/۸ | ۲۳/۶ |
| سهم چین از صادرات جهان | ۱ | ۱/۵ | ۱/۶ | ۱/۷ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۱/۹ | ۲/۱ | ۲/۱ |
| سهم چین از واردات جهان | ۱ | ۲/۲ | ۲/۱ | ۱/۸ | ۲ | ۲ | ۱/۶ | ۱/۸ | ۲ |
| سهم چین از تجارت جهان | ۱ | ۱/۹ | ۱/۸ | ۱/۷ | ۱/۹ | ۱/۹ | ۱/۷ | ۱/۹ | ۲ |
| ضریب تمرکز کالایی برای صادرات | ۴۱/۴ | ۳۹/۹ | ۳۸/۴ | ۳۸/۶ | ۳۸/۷ | ۳۸/۶ | ۳۸/۹ | ۴۰ | .. |
| ضریب تمرکز کالایی برای واردات | ۴۲/۹ | ۵۰/۱ | ۴۹/۵ | ۴۵/۱ | ۴۲/۹ | ۴۲/۸ | ۴۲/۹ | ۴۲/۹ | .. |
| اقلام اصلی: | | | | | | | | | |
| محصول ناخالص ملی (میلیارد یوآن) | ۴۴۷ | ۸۵۵/۸ | ۹۶۹/۶ | ۱۱۳۵/۱ | ۱۴۰۱/۵ | ۱۵۹۱/۶ | ۱۷۶۹/۵ | ۱۹۸۵/۵ | ۲۳۶۲/۸ |
| نرخ ارز رسمی (RMB به نسبت دلار آمریکا) | ۱/۴۹۸ | ۱/۹۳۷ | ۱/۴۵۳ | ۳/۷۲۲ | ۳/۷۲۲ | ۳/۷۶۵ | ۴/۷۸۳ | ۵/۳۲۳ | ۵/۵۱۵ |
| محصول ناخالص ملی (میلیارد دلار آمریکا) | ۲۹۸/۴ | ۲۹۱/۴ | ۲۸۰/۸ | ۳۰۵ | ۳۷۶/۵ | ۴۲۲/۷ | ۳۶۹/۹ | ۳۷۳ | ۴۲۸/۴ |

مأخذ: China Statistical Yearbook,1992.

**جدول ۴. شاخصهای اساسی مناطق ویژهٔ اقتصادی و شهرهای آزاد ساحلی در سال ۱۹۹۱**

| | مناطق ویژه اقتصادی | شهرهای آزاد ساحلی | کل چین |
|---|---|---|---|
| جمعیت | ۲/۲ | ۲۸/۴ | ۱۱۴۳/۳۳ |
| درصد جمعیت به نسبت درصد کل جمعیت چین | ۰/۲ | ۲/۵ | ۱۰۰ |
| محصول ناخالص داخلی (میلیارد یوآن) | ۲۱/۸ | ۱۵۲/۳ | ۱۷۶۸۶۰ |
| درصد محصول ناخالص داخلی به نسبت درصد کل محصول ناخالص داخلی | ۱/۲ | ۸/۶ | ۱۰۰ |
| نسبت محصول ناخالص داخلی به جمعیت (یوآن) | ۹۸۱۰ | ۵۳۶۰ | ۱۵۴۰ |
| سرمایه گذاری در داراییهای ثابت (میلیارد یوآن) | ۸/۳ | ۳۹/۵ | ۴۴۴/۹۳ |
| صادرات (میلیارد دلار آمریکا) | ۸/۸ | ۳۲/۴ | ۶۲/۱۹ |
| نسبت صادرات به محصول ناخالص داخلی (درصد) | ۱۹۳ | ۱۰۱ | ۰/۱۷ |
| درصد صادرات به نسبت درصد کل صادرات | ۱۴/۲ | ۵۲/۱ | ۱۰۰ |
| سرمایه گذاری خارجی واقعی (میلیارد دلار آمریکا) | ۸۵۶/۵ | ۱۹۷۳/۶ | ۵۴۹۸/۸ |
| درصد سرمایه گذاری خارجی واقعی به نسبت درصد کل سرمایه گذاری خارجی | ۱۵/۶ | ۳۵/۹ | ۱۰۰ |
| نسبت سرمایه گذاری خارجی واقعی به کل سرمایه گذاری ثابت | ۴۹ | ۲۴ | ۱۱ |

مأخذ: China Statistical Yearbook, 1990.

## جدول ۵. برگزیده شاخصهای مناطق ویژهٔ اقتصادی و ۱۴ شهر آزاد ساحلی

| | نرخ رشد سالانه بین سالهای ۱۹۸۴-۱۹۹۱ (درصد) | نسبت صادرات به محصول ناخالص داخلی درسال ۱۹۹۱ (درصد) | سرمایه گذاری خارجی درسال ۱۹۹۱ (میلیون دلار آمریکا) | نسبت سرمایه گذاری خارجی به محصول ناخالص داخلی (درصد) |
|---|---|---|---|---|
| کل چین | ۱۲/۱ | ۱۶/۷ | ۱۰۲۹۰ | ۲/۸ |
| دالیان | ۱۵/۱ | ۲۳۷/۳ | ۴۴۳ | ۱۵/۸ |
| کین هوانگ دائو | ۱۵/۸ | ۲۱۲/۴ | ۶ | ۱ |
| تیان جین | ۸/۵ | ۸۶/۱ | ۴۸۱ | ۸/۹ |
| کینگ دائو | ۹/۵ | ۱۶۱/۴ | ۶۲ | ۳ |
| یان تای | ۱۶/۲ | ۵۳/۵ | ۳۸ | ۵/۱ |
| لیان یونگانگ | ۱۰/۴ | ۱۰۱/۳ | ۱۱ | ۲/۵ |
| نانتونگ | ۱۰/۸ | ۴۶/۸ | ۳۴ | ۵/۱ |
| شانگهای | ۶/۷ | ۸۹/۱ | ۸۵۵ | ۷/۵ |
| نینگبو | ۱۴/۲ | ۷۱ | ۳۶ | ۳ |
| ون زو | ۱۴/۶ | ۲۱/۵ | ۶ | ۱/۴ |
| فوزو | ۱۵/۱ | ۵۹/۱ | ۱۶۷ | ۱۵/۲ |
| گوانگ زو | ۱۵/۷ | ۱۶۵/۶ | ۲۶۷ | ۴/۵ |
| زان جیان | ۲۸/۵ | ۸۵/۷ | ۱۹ | ۲/۵ |
| بی‌های | ۲۱/۱ | ۴۹/۹ | ۹ | ۵/۳ |
| ۱۴شهر آزاد ساحلی | ۹/۹ | ۱۱۶/۸ | ۲۴۳۴ | ۷/۲ |
| به عنوان درصدی از کل چین | ۸۲/۲ | ۷۰۱/۳ | ۲۴ | ۲۶۲/۱ |
| شن زن | ۴۱/۲ | ۳۸۲/۶ | ۴۷۷ | ۱۸/۵ |
| زوهای | ۴۵/۴ | ۱۸۶/۳ | ۱۵۷ | ۱۳/۶ |
| شانتو | ۲۷ | ۲۵۲/۹ | ۱۹۷ | ۲۷ |
| شیامن | ۲۴/۷ | ۱۱۸/۷ | ۱۸۳ | ۱۷/۱ |
| ۴ منطقهٔ ویژهٔ اقتصادی | ۳۴/۲ | ۲۷۳/۵ | ۱۰۱۳ | ۱۸/۳ |
| به عنوان درصدی از کل چین | ۲۸۲/۹ | ۱۶۴۱/۶ | ۱۰ | ۶۶۳/۵ |

مأخذ: China Statistical Yearbook, 1992.

## جدول ۶. تولید محصولات عمدهٔ کشاورزی چین (میلیون تن)

| | ۱۹۷۸ | ۱۹۷۹ | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۱ | ۱۹۸۲ | ۱۹۸۳ | ۱۹۸۴ | ۱۹۸۵ | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۸ | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| کل غلات خوراکی | ۳۰۴/۸ | ۳۳۲/۱ | ۳۲۰/۶ | ۳۲۵/۰ | ۳۵۴/۵ | ۳۸۷/۳ | ۴۰۷/۳ | ۳۷۹/۱ | ۳۹۱/۵ | ۴۰۳/۰ | ۳۹۴/۱ | ۴۰۷/۵ | ۴۴۶/۲ | ۴۳۵/۳ |
| برنج | ۱۳۶/۹ | ۱۴۳/۸ | ۱۳۹/۹ | ۱۴۴/۰ | ۱۶۱/۶ | ۱۶۸/۹ | ۱۷۸/۳ | ۱۶۸/۶ | ۱۷۲/۲ | ۱۷۴/۳ | ۱۶۹/۱ | ۱۸۰/۱ | ۱۸۹/۳ | ۱۸۳/۸ |
| گندم | ۵۳/۸ | ۶۲/۷ | ۵۵/۲ | ۶۹/۶ | ۶۸/۵ | ۸۱/۴ | ۸۷/۸ | ۸۵/۸ | ۹۰/۰ | ۸۵/۹ | ۸۵/۴ | ۹۰/۸ | ۹۸/۲ | ۹۶/۰ |
| ذرت | ۵۶/۰ | ۶۰/۰ | ۶۲/۶ | ۵۹/۲ | ۶۰/۶ | ۶۸/۲ | ۷۳/۴ | ۶۳/۹ | ۷۰/۹ | ۷۹/۲ | ۷۷/۴ | ۷۸/۹ | ۹۶/۸ | ۹۸/۸ |
| سویا | ۷/۶ | ۷/۵ | ۷/۹ | ۹/۳ | ۹/۰ | ۹/۸ | ۹/۷ | ۱۰/۵ | ۱۱/۶ | ۱۲/۵ | ۱۱/۷ | ۱۰/۲ | ۱۱/۰ | ۹/۷ |
| محصولات زیرخاکی | ۳۱/۷ | ۲۸/۵ | ۲۸/۷ | ۲۶/۰ | ۲۷/۱ | ۲۹/۳ | ۲۸/۵ | ۲۶/۰ | ۲۵/۳ | ۲۸/۲ | ۲۷/۰ | ۲۷/۳ | ۲۷/۴ | ۲۷/۲ |
| کل دانه‌های روغنی | ۵/۲ | ۶/۴ | ۷/۷ | ۱۰/۲ | ۱۱/۸ | ۱۰/۶ | ۱۱/۹ | ۱۵/۸ | ۱۴/۷ | ۱۵/۳ | ۱۳/۲ | ۱۲/۹ | ۱۶/۱ | ۱۶/۴ |
| بادام زمینی | ۲/۴ | ۲/۸ | ۳/۶ | ۳/۸ | ۳/۹ | ۴/۰ | ۴/۸ | ۶/۷ | ۵/۹ | ۶/۲ | ۵/۷ | ۵/۴ | ۶/۴ | ۶/۳ |
| تخم ترب | ۱/۹ | ۲/۴ | ۲/۴ | ۴/۱ | ۵/۷ | ۴/۳ | ۴/۲ | ۵/۶ | ۵/۹ | ۶/۶ | ۵/۰ | ۵/۴ | ۷/۰ | ۷/۴ |
| پنبه | ۲/۲ | ۲/۲ | ۲/۷ | ۳/۰ | ۳/۶ | ۴/۶ | ۶/۳ | ۴/۱ | ۳/۵ | ۴/۲ | ۴/۱ | ۳/۸ | ۴/۵ | ۵/۷ |
| نیشکر | ۲۱/۱ | ۲۱/۵ | ۲۲/۸ | ۲۹/۷ | ۳۶/۹ | ۳۱/۱ | ۳۹/۵ | ۵۱/۵ | ۵۰/۲ | ۴۷/۴ | ۴۹/۱ | ۴۸/۶ | ۵۷/۶ | ۶۷/۹ |
| چغندر | ۲/۷ | ۳/۱ | ۶/۳ | ۶/۴ | ۶/۷ | ۹/۲ | ۸/۳ | ۸/۹ | ۸/۳ | ۸/۱ | ۱۲/۸ | ۹/۴ | ۱۴/۵ | ۱۶/۳ |
| برگ خشک تنباکو | ۱/۱ | ۰/۸ | ۰/۷ | ۱/۳ | ۱/۸ | ۱/۲ | ۱/۵ | ۲/۱ | ۱/۴ | ۱/۶ | ۲/۳ | ۲/۴ | ۲/۳ | ۲/۷ |
| میوه‌ها | ۶/۶ | ۷/۰ | ۶/۸ | ۷/۸ | ۷/۷ | ۹/۵ | ۹/۸ | ۱۱/۶ | ۱۳/۵ | ۱۶/۷ | ۱۶/۷ | ۱۸/۴ | ۱۸/۷ | ۲۱/۸ |
| سیب | ۲/۳ | ۲/۹ | ۲/۴ | ۳/۰ | ۲/۴ | ۳/۵ | ۲/۹ | ۳/۶ | ۳/۳ | ۴/۳ | ۴/۳ | ۴/۵ | ۴/۳ | ۴/۵ |
| مرکبات | ۰/۴ | ۰/۶ | ۰/۷ | ۰/۸ | ۰/۹ | ۱/۳ | ۱/۵ | ۱/۸ | ۲/۵ | ۳/۲ | ۲/۶ | ۴/۶ | ۴/۹ | ۶/۳ |
| گلابی | ۱/۵ | ۱/۴ | ۱/۵ | ۱/۶ | ۱/۸ | ۱/۸ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۳ | ۲/۵ | ۲/۷ | ۲/۶ | ۲/۴ | ۲/۵ |
| موز | ۰/۱ | ۰/۱ | ۰/۱ | ۰/۱ | ۰/۲ | ۰/۲ | ۰/۳ | ۰/۶ | ۱/۳ | ۲/۰ | ۱/۸ | ۱/۴ | ۱/۵ | ۲/۰ |

مأخذ: Statistical Abstract, 1992, pp.58-60.

## جدول ۷. تولید محصولات عمدهٔ کشاورزی چین (درصد نرخ رشد)

| | ۱۹۷۸ | ۱۹۷۹ | ۱۹۸۰ | ۱۹۸۱ | ۱۹۸۲ | ۱۹۸۳ | ۱۹۸۴ | ۱۹۸۵ | ۱۹۸۶ | ۱۹۸۷ | ۱۹۸۸ | ۱۹۸۹ | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱ |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| کل غلات خوراکی | .. | ۹/۰ | -۳/۵ | ۱/۴ | ۹/۱ | ۹/۲ | ۵/۲ | -۶/۹ | ۳/۳ | ۲/۹ | -۲/۲ | ۳/۴ | ۹/۵ | -۲/۵ |
| برنج | .. | ۵/۰ | -۲/۷ | ۲/۹ | ۱۲/۳ | ۴/۵ | ۵/۶ | -۵/۴ | ۲/۲ | ۱/۲ | -۳/۰ | ۶/۵ | ۵/۱ | -۲/۹ |
| گندم | .. | ۱۶/۵ | -۱۲/۰ | ۲۶/۱ | -۱/۷ | ۱۸/۹ | ۷/۹ | -۲/۳ | ۴/۹ | -۴/۶ | -۰/۵ | ۶/۳ | ۸/۲ | -۲/۳ |
| ذرت | .. | ۷/۳ | ۴/۳ | -۵/۴ | ۲/۳ | ۱۲/۶ | ۷/۶ | -۱۳/۰ | ۱۰/۹ | ۱۱/۸ | -۲/۴ | ۲/۰ | ۲۲/۷ | ۲/۰ |
| سویا | .. | -۱/۵ | ۶/۴ | ۱۷/۵ | -۳/۲ | ۸/۱ | -۰/۶ | ۸/۲ | ۱۰/۶ | ۷/۴ | -۶/۶ | -۱۲/۲ | ۷/۵ | -۱۱/۷ |
| محصولات زیرخاکی | .. | -۱۰/۳ | ۰/۹ | -۹/۶ | ۴/۲ | ۸/۱ | -۲/۶ | -۸/۶ | -۲/۷ | ۱۱/۳ | -۴/۴ | ۱/۲ | ۰/۵ | -۱/۰ |
| کل دانه‌های روغنی | .. | ۲۳/۳ | ۱۹/۵ | ۳۲/۷ | ۱۵/۸ | -۱۰/۷ | ۱۲/۹ | ۳۲/۵ | -۶/۶ | ۳/۷ | -۱۳/۶ | -۲/۲ | ۲۵/۰ | ۱/۶ |
| بادام زمینی | .. | ۱۸/۷ | ۲۷/۶ | ۶/۳ | ۲/۴ | ۰/۹ | ۲۱/۹ | ۳۸/۴ | -۱۱/۷ | ۴/۹ | -۷/۷ | -۵/۸ | ۱۸/۷ | -۱/۰ |
| تخم ترب | .. | ۲۸/۶ | -۰/۷ | ۷۰/۵ | ۳۹/۱ | -۲۴/۲ | -۱/۹ | ۳۳/۳ | ۴/۹ | ۱۲/۳ | -۲۳/۶ | ۷/۹ | ۲۷/۹ | ۶/۹ |
| پنبه | .. | ۱/۸ | ۲۲/۷ | ۹/۶ | ۲۱/۲ | ۲۸/۹ | ۳۵/۰ | -۳۳/۷ | -۱۴/۶ | ۱۹/۹ | -۲/۳ | -۸/۷ | ۱۸/۹ | ۲۵/۹ |
| نیشکر | .. | ۱/۹ | ۶/۰ | ۳۰/۱ | ۲۴/۳ | -۱۵/۶ | ۲۶/۹ | ۳۰/۴ | -۲/۶ | -۵/۷ | ۳/۶ | -۱/۰ | ۱۸/۶ | ۱۷/۸ |
| چغندر | .. | ۱۵/۰ | ۱۰۳/۰ | ۰/۹ | ۵/۵ | ۳۶/۸ | -۹/۸ | ۷/۷ | -۶/۹ | -۲/۰ | ۵۷/۴ | -۲۶/۹ | ۵۵/۲ | ۱۲/۱ |
| برگ خشک تنباکو | .. | -۲۳/۴ | -۱۱/۰ | ۷۸/۴ | ۴۴/۵ | -۳۷/۷ | ۳۴/۱ | ۳۴/۵ | -۳۳/۸ | ۱۹/۱ | ۴۲/۸ | ۳/۱ | -۶/۳ | ۱۸/۲ |
| میوه‌ها | .. | ۶/۸ | -۳/۲ | ۱۴/۸ | -۱/۱ | ۲۳/۰ | ۳/۸ | ۱۸/۲ | ۱۵/۸ | ۲۳/۸ | -۰/۱ | ۱۰/۳ | ۲/۰ | ۱۶/۱ |
| سیب | .. | ۲۶/۱ | -۱۷/۶ | ۲۷/۲ | -۱۹/۲ | ۴۵/۷ | -۱۶/۹ | ۲۲/۹ | -۷/۷ | ۲۷/۸ | ۱/۹ | ۳/۶ | -۴/۰ | ۵/۱ |
| مرکبات | .. | ۴۴/۹ | ۲۸/۵ | ۱۱/۹ | ۱۷/۷ | ۳۸/۰ | ۱۵/۷ | ۲۰/۶ | ۴۰/۹ | ۲۶/۵ | -۲۰/۶ | ۷۸/۲ | ۶/۴ | ۳۰/۴ |
| گلابی | .. | -۵/۲ | ۱/۹ | ۸/۷ | ۱۰/۲ | ۲/۳ | ۱۷/۰ | ۱/۸ | ۹/۹ | ۶/۰ | ۹/۳ | -۵/۷ | -۸/۳ | ۶/۲ |
| موز | .. | -۱۲/۹ | -۱۷/۶ | ۱۰۶/۶ | ۵۹/۵ | ۳/۰ | ۴۴/۹ | ۱۱۰/۳ | ۹۸/۳ | ۶۲/۲ | -۹/۸ | -۲۳/۳ | ۳/۷ | ۳۶/۱ |

مأخذ: همان.

**جدول ۸. نسبت تولید و فروش به قیمتهای ثابت، ارشادی، و بازار (به درصد)**

| | ۱۹۷۸ | ۱۹۸۷ | ۱۹۹۰ | ۱۹۹۱ | ۱۹۹۲ |
|---|---|---|---|---|---|
| تولیدکشاورزی | | | | | |
| قیمتهای ثابت | ۹۲/۶ | ۲۹/۴ | ۲۵ | ۲۲/۲ | ۱۷ |
| قیمتهای ارشادی | ۱/۸ | ۱۶/۸ | ۲۳/۴ | ۲۰ | ۵۷/۸ |
| قیمتهای بازار | ۵/۶ | ۵۳/۸ | ۵۱/۶ | ۵۷/۸ | ۶۸ |
| تولید صنعتی | | | | | |
| قیمتهای ثابت | ۹۷ | .. | ۴۴/۶ | ۳۶ | ۲۰ |
| قیمتهای ارشادی | - | .. | ۱۹ | ۱۸/۳ | ۱۵ |
| قیمتهای بازار | ۳ | .. | ۳۶/۴ | ۴۵/۷ | ۶۵ |
| خرده‌فروشیها | | | | | |
| قیمتهای ثابت | ۹۷ | ۳۳/۷ | ۲۹/۷ | ۲۰/۹ | ۱۰ |
| قیمتهای ارشادی | - | ۲۸ | ۱۷/۲ | ۱۰/۳ | ۱۰ |
| قیمتهای بازار | ۳ | ۳۸/۳ | ۵۳/۱ | ۶۸/۸ | ۸۰ |

مأخذ: Michael W.Bell (1993). *China at the Threshold of a Market Economy,* International Monetary Fund, Occasional Paper 107. Washington, D.C.: IMF, 27.

منتشر شد

جمهوری اسلامی ایران
سازمان برنامه و بودجه

# مشخصات فنی عمومی راه

نشریه شماره ۱۰۱

معاونت امور فنی
دفتر تحقیقات و معیارهای فنی

چاپ سوم
۱۳۷۵